

## تعهدات دولت میزبان بر اساس پیمان منشور انرژی (ECT) و نحوه بازتاب آن در مبانی حکمی آراء داوران

سید امیرحسام موسوی\*

استادیار گروه حقوق دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۲ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۱/۲۷)

### چکیده

معاهده منشور انرژی (ECT) معاهده‌ای جهانی در خصوص حمایت از سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی است. در این معاهده، نویسندگان با عناوین مختلفی، تعهداتی را بر عهده دولت‌های میزبان قرار داده‌اند که نقض هر کدام از این جهات، ممکن است برای آنان مسئولیت‌آور باشد. در رویه داوران رسیدگی‌کننده به اختلافات مرتبط با منشور انرژی، از یک‌سو، شاهد آزادی عمل داوران در انتخاب جهت مورد استناد (سبب دعوی) از میان جهات طرح‌شده هستیم و از سوی دیگر، آنان در فرض تعدد اسباب، خود را ملزم به پاسخ‌دهی به تمامی جهات طرح‌شده نمی‌دانند؛ هر چند در فرض بی‌حق شناختن خواهان دعوی، پاسخگو نبودن در برابر تمامی جهات طرح‌شده، ممکن است به طرح دعاوی مجددی توسط خواهان ناکام دعاوی سابق بینجامد. در مقاله پیش رو، در پی تحلیل موضوعات پیش‌گفته هستیم.

### واژگان کلیدی

جهات حکمی، جهات موضوعی، دولت میزبان، دیوان داوری، رعایت انصاف و بی‌طرفی، سرمایه‌گذار، منشور انرژی.

\* Email: a.mousavi@soc.ikiu.ac.ir

### مقدمه

سرمایه‌گذاری در بخش کشف، استخراج و بهره‌برداری منابع انرژی، از مهم‌ترین حوزه‌های سرمایه‌گذاری به شمار می‌رود. وابستگی اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه به منابع انرژی، به‌ویژه نفت و گاز و همچنین مشکلات فنی، اجرایی و سرمایه‌ای کشورهای صاحب انرژی، موجب شده تا سرمایه‌گذاری در این حوزه، رفته‌رفته به بازی برد-برد تبدیل گردد. سرمایه‌گذاری در بخش انرژی، البته همیشه با مخاطرات خاص خود نیز همراه بوده است. بیشتر کشورهای صاحب انرژی فسیلی در قرن حاضر، دستخوش تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی پرننگی شده و تأثیر دگرگونی‌ها بر صنعت انرژی این کشورها نیز در این‌گونه تغییر و تحولات به شکل برجسته‌ای آشکار بوده است؛ به گونه‌ای که از یک‌سو، نبود مدیریت درست این‌گونه منابع توسط دولت‌های حاکم در کشورهای صاحب انرژی، فساد مالی دولت‌مردان و عقب‌ماندگی این کشورها، با وجود درآمدهای سرشار حاصل از فروش نفت و گاز، به آشوب و گاهی انقلاب‌ها دامن زده و پس از آن، مسائلی همچون مصادره و ملی‌سازی سرمایه‌های شکل‌گرفته در حوزه نفت و گاز را به بار آورده است و از سوی دیگر، نقش انرژی‌هایی همچون نفت و گاز در اقتصاد جهانی و بازی قدرت‌های بزرگ در این حوزه و تلاش برای تغییر دولت‌های ناهم‌سو با سیاست‌های این قدرت‌ها یا حذف آنان از بازار انرژی، موجب شده تا سرمایه‌گذاری در زمینه انرژی، همواره با مخاطراتی همراه باشد. مشکلات سرمایه‌گذاری در بخش انرژی را شاید بتوان به دو دسته عمده تقسیم کرد؛ اولین دسته، مشکلاتی است که نوعاً در زمینه سرمایه‌گذاری در بخش انرژی شاهد آن هستیم که مهم‌ترین آن‌ها، مصادره و ملی‌سازی بوده است که رفته‌رفته در حقوق بین‌الملل، قاعده الزام دولت‌ها به جبران خسارات و پرداخت غرامت ناشی از ملی‌سازی، شناسایی شده است. بخش دیگر مشکلات این عرصه نیز مواردی فراگیر است و نمی‌توان آن را خاص سرمایه‌گذاری خارجی در بخش انرژی دانست که از آن جمله، می‌توان به رفتار تبعیض‌آمیز با سرمایه‌گذاران خارجی، اتخاذ تصمیمات غیرمنطقی و غیرمنتظره، تصویب ضوابط و مقررات دشوارساز بهره‌برداری از سرمایه‌گذاری و... اشاره کرد. اما با توجه به اهمیت سرمایه‌گذاری در عرصه انرژی و همچنین مبالغ عظیم و سنگین سرمایه‌گذاری در این حوزه، همواره اطمینان‌سازی و ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری در این بخش، یکی از دغدغه‌های کشورهای سرمایه‌پذیر و سرمایه‌گذار بوده است و در این باره، عهدنامه‌های دوجانبه بسیاری میان کشورها به تصویب رسیده است. پیش از تصویب معاهده منشور انرژی، معاهده‌ای فراگیر و مختص به حوزه انرژی وجود نداشت و معاهدات عامی، همچون موافقت‌نامه تأسیس سازمان تجارت جهانی و موافقت‌نامه تجارت

آزاد میان کشورهای آمریکای شمالی<sup>۱</sup>، سرمایه‌گذاری در صنعت انرژی را در کلیت خود دربر می‌گرفت اما از آنجا که در این موافقت‌نامه‌ها، به شکل بایسته و تخصصی به حمایت از سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی توجه نشده بود، رود لوبرس<sup>۲</sup>، نخست وزیر وقت هلند، در سال ۱۹۹۰ میلادی، اندیشه بنیان نهادن منشور انرژی را مطرح کرد که پس از بحث و گفت‌وگوهایی که در نسخه پیش‌نویس آن انجام شد، سرانجام با پیوستن سی کشور به این منشور، از تاریخ ۱۶ آوریل ۱۹۹۸ بین کشورهای عضو لازم‌الاجرا گردید. در این معاهده، افزون بر آنکه برخلاف بسیاری از معاهدات، سازمان تشکیلاتی برای منشور بنیان نهاده شد، موضوعاتی همچون حمل‌ونقل، محیط زیست و حل اختلاف نیز پیش‌بینی گردید. از سوی دیگر، در این معاهده، تعهداتی برای دولت‌های میزبان در راستای حمایت از سرمایه‌گذار خارجی درج شده است که نقض آن‌ها موجب مسئولیت دولت میزبان خواهد گردید.

در مقاله پیش رو، نخست نگاه گذرایی به این تعهدات و نحوه بازتاب نقض این تعهدات در آراء داوران خواهیم داشت؛ سپس نوع استناد دیوان‌های داوری به این جهات نقض را بررسی کرده و آن را از زاویه برخی جنبه‌های تحلیلی و اثرگذار آیین دادرسی که متأسفانه در قلمرو داوری، چندان به پختگی لازم نرسیده‌اند، به تماشا خواهیم نشست.

## ۱. تعهدات دولت میزبان

همچنان که اشاره شد، محتوای منشور انرژی چندوجهی بوده و صرفاً بخش‌هایی از منشور، به حمایت مستقیم از سرمایه‌گذار خارجی پرداخته است و حتی چنین حمایت‌هایی، به نظر بیشتر نویسندگان (Goldstone & LESI, 2013: 163) حاوی معیارهای رفتاری حداقلی<sup>۳</sup> بوده و این‌گونه حمایت‌ها را به نحو کامل‌تری در توافق‌نامه‌های دوجانبه<sup>۴</sup> بین کشورها نیز شاهد هستیم و حتی بسیاری از این حمایت‌ها قبل از تصویب منشور، به عنوان اصول حقوق فراملی نفت<sup>۵</sup> در حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده و در دیوان‌های داوری مورد استناد قرار گرفته است (Faramtouris, 2015: 372).

### ۱.۱. رفتار منصفانه و برابر<sup>۶</sup>

در بند یک ماده ۱۰ منشور، کشورهای عضو مکلف به رفتار منصفانه و همراه با بی‌طرفی با سرمایه‌گذاران سایر اعضا شده‌اند. این معیار، برگرفته از حقوق بین‌الملل بوده و پیش از

---

1. NAFTA  
2. Ruud Lubbers  
3. Minimum standard  
4. BIT (Bilateral Investment Treaty)  
5. Lex Petrolea  
6. Fair & Equitable Treatment (FET)

تصویب منشور، در رویه دیوان‌های داوری شکل گرفته بر اساس پیمان‌های دوجانبه و همچنین معاهده نفتا، به رسمیت شناخته شده بود (Roggenkamp, 2007: 109). این تعهد، از جمله تعهدات اساسی حمایت از سرمایه‌گذاران به شمار می‌آید. در رویه دیوان‌های داوری، رعایت این تعهد خود مستلزم رعایت اصولی همچون حمایت از انتظارات معقول و قانونی سرمایه‌گذاران<sup>۱</sup>، حسن نیت<sup>۲</sup> و پرهیز از تصمیمات یک‌جانبه و مستبدانه<sup>۳</sup> است (Roggenkamp, 2007: 111). همچنین بر اساس رویه هیأت‌های داوری، استنکاف از احقاق حق<sup>۴</sup>، از جمله موارد نقض چنین تعهدی به شمار می‌آید. مدیریت نادرست یا اشتباه نظام قضایی و اداری، تا آن اندازه که حمایت حقوقی از سرمایه‌گذاران خارجی را با مانع یا محدودیت روبه‌رو سازد نیز به‌خودی خود می‌تواند در حکم عدم امکان تظلم‌خواهی قلمداد شود (Yen, 2014: 112). در خصوص اینکه FET خود یک معیار رفتاری مستقل است یا آنکه مجموعه‌ای از رفتارها، تشکیل‌دهنده آن است، اختلاف نظر وجود دارد. در دعوی Ptrobart v.kyrgyzstan، دیوان داوری اعلام کرد FET شرط مستقل نیست، بلکه تمامی معیارهای رفتاری مذکور در بند یک ماده ۱۰ منشور در راستای تضمین رفتار برابر و منصفانه تدوین شده است و جملگی، از عناصر FET شمرده می‌شود (Coop, 2008: 4). بر خلاف این رأی، در برخی از آراء دیگر، FET خود شرط مستقلی به شمار آمده است (Coop, 2008: 5). هرچند به نظر برخی نویسندگان، قائل شدن به چنین استقلالی به دشواری قابل پذیرش است (De brandre, 2014: 145).

احراز نقض تکلیف رفتار منصفانه و برابر، بی‌گمان نیازمند بررسی جزئیات هر پرونده به صورت جداگانه<sup>۵</sup> است و شاید نتوان رفتار یا رفتارهایی را به عنوان رفتارهای ثابت نقض‌کننده این تعهد در تمامی پرونده‌ها به شمار آورد (Kriebaun, 2015: 762). در دعوی Stati v.kazakhstan، دیوان داوری اعلام کرد که برای احراز نقض چنین تعهدی، می‌بایست وقایع هر پرونده را لحاظ و در نهایت این امر در چهارچوب حقوقی منشور بررسی شود (Kriebaun, 2015: 763).

همچنان که پیداست، نمی‌توان مرز دقیقی برای قلمرو رفتار منصفانه و برابر ترسیم کرد و بر اساس نظر غالب دیوان‌های داوری و همچنین نویسندگان، مجموعه‌ای از معیارهای رفتاری

۱. مصادیق شرط رفتار منصفانه و برابر، نخستین بار در توافق‌نامه جامع بین کانادا و اتحادیه اروپا (CETA) مورد تصریح قرار گرفت. به موجب ماده ۸-۱، چنانچه طرفین موافقت‌نامه مرتکب رفتارهایی همچون نقض اساسی رسیدگی صحیح، انکار عدالت در رسیدگی‌های حقوقی، کیفی یا اداری، خودکامگی آشکار، تبعیض غیرقابل توجیه، رفتار سوء استفاده‌آمیز با سرمایه‌گذار و ... گردند، تعهد خود به رفتار منصفانه و برابر را زیر پا گذاشته‌اند.

2. Legitimate Investor Expectations

3. Good Faith

4. Arbitrariness

5. Denial of justice

6. case specific

در ذیل چنین شرطی قابل شناسایی است که نقض این معیارها، مخالف تعهد دولت‌ها به رفتار برابر و منصفانه به شمار می‌آید. از مهم‌ترین این معیارهای رفتاری، می‌توان به رعایت انتظارات مشروع، ثبات نظام حقوقی، تناسب رفتار و شفافیت اشاره کرد.

### الف) تحقق انتظارات مشروع

انتظارات مشروع سرمایه‌گذار، آن دسته از انتظاراتی است که وی نوعاً احتمال منطقی تحقق آن را پس از سرمایه‌گذاری در نظر دارد؛ مشروط بر آنکه تمامی اقدامات لازم و ضروری را در راه سرمایه‌گذاری خود برداشته و همچنین تمامی جوانب سرمایه‌گذاری خود در کشور میزبان را لحاظ کرده باشد؛ از جمله آنکه اقدامات احتیاطی را در نظر گرفته باشد (Moss, 2012: 135). این تعهد، از جمله مواردی است که بارها از سوی دیوان‌های داوری مورد استناد قرار گرفته است (Schreuer, 2008: 69). تحقق انتظارات مشروع مستلزم ثبات نظام حقوقی است. سرمایه‌گذار با توجه به نظام حقوقی و هنجارهای حاکم در کشور میزبان، آینده‌ای را برای خود ترسیم می‌کند که تغییرات بنیادی در این هنجارها، پیش‌بینی و انتظارات وی را مخدوش می‌سازد. البته بر اساس این شرط، لازم نیست دولت میزبان از هرگونه تغییر در نظام حقوقی خود پرهیز کند، بلکه این امر صرفاً در صورتی موجب مسئولیت دولت‌ها می‌شود که تغییرات به آن اندازه عمیق و بنیادی باشد که اگر سرمایه‌گذار چنین تغییراتی را پیش‌بینی می‌کرد، از سرمایه‌گذاری در آن کشور منصرف می‌شد (Zeitler, 2011: 35). در دعوای *Electrabel v. Hungery*، دیوان داوری اعلام کرد هرچند منشور در پی حمایت سرمایه‌گذاران در تغییرات غیرقابل توجیه نظام حقوقی کشورهای میزبان است، با این حال، حق دولت‌های میزبان برای دخل و تصرف در ساختار نظام حقوقی خود جهت تأمین منافع عمومی در صورت تغییر اوضاع و احوال را منتفی نمی‌سازد؛ هرچند چنین تغییراتی باید عادلانه، غیرمتناقض و قابل استناد باشد و شرایط سرمایه‌گذاران را نیز لحاظ کند. بنابراین، هم شرایط دولت میزبان و هم شرایط سرمایه‌گذار برای احراز نقض انتظارات مشروع باید لحاظ گردد. در دعوای *Al-bahlol v. Tajikistan*، دیوان داوری اظهار کرد به منظور استناد به چنین مبانی (نقض انتظارات مشروع) چندین معیار، از جمله ماهیت انتظارات، میزان تکیه بر این انتظارات و قانونی بودن چنین اتکایی، باید در نظر گرفته شود (Schreuer, 2009: 195).

همچنین در پرونده *Palma v. Bulgaria*، دیوان داوری اعلام کرد می‌بایست شرایط و مزایایی را که دولت میزبان در زمان آغاز سرمایه‌گذاری، به سرمایه‌گذاران خارجی پیشنهاد داده است، به منظور بررسی انتظارات مشروع مورد توجه قرار دهیم (Schreuer, 2009: 195).

در پرونده Charanne v. Spain، دیوان داوری با استناد به اصل حسن نیت در حقوق بین‌الملل عرفی، اظهار کرد این اصل مانع از آن می‌شود که دولت‌های میزبان برای جذب سرمایه سرمایه‌گذاران سایر کشورها، وعده‌هایی را اعلام کنند که قصد واقعی تحقق بخشیدن به آن را ندارند (Bonnitchal, 2014: 153).

در مجموع، بر اساس رویه دیوان‌های داوری، می‌توان نتیجه گرفت که کشورهای میزبان، حق تغییر چهارچوب نظام حقوقی خود و تغییر قوانین مربوط به سرمایه‌گذاری را دارند؛ مشروط به آنکه تغییرات غیرمنطقی، توأم با خودکامگی، مخالف منافع عمومی اتباع کشور خود، ناعادلانه، توأم با نقض نظم عمومی و فرایند قانون‌گذاری کشور خود نیز نباشد (Jacob, 2015: 703).

### ب) ثبات ساختار حقوقی

این عنصر از عناصر FET، همانند شرط انتظارات مشروع است، اما تفاوتی مهمی با آن دارد: به منظور بررسی این شرط باید ملاک نوعی<sup>۱</sup> را مورد توجه قرار داد، نه ملاک شخصی را. به سخن دیگر، این شرط کمتر بر تحت تأثیر قرار گرفتن انتظارات یک سرمایه‌گذار خاص متمرکز است، بلکه منظور تغییر نظام حقوقی به نحوی است که تمامی سرمایه‌گذاران خارجی را تحت تأثیر قرار دهد (Potesta, 2013: 93). در دعوی AES Summit v. Hungary، دیوان داوری با استناد به منشور انرژی، اعلام کرد استناد به شرط ثبات (نظام حقوقی) به عنوان یکی از اجزای FET، از شرط ثبات مندرج در قراردادهای سرمایه‌گذاری<sup>۲</sup> متمایز است. شرط ثبات مندرج در قرارداد، بدین معناست که دولت میزبان، عدم تغییرات را به نفع یک سرمایه‌گذار خاص تضمین می‌کند؛ در حالی که استناد به شرط ثباتی که جزء عناصر FET است، شامل تغییراتی می‌شود که دولت میزبان به علت شرایط خاص اجتماعی یا سیاسی، ممکن است در نظام حقوقی خود اعمال کرده و همه سرمایه‌گذاران را تحت تأثیر قرار دهد. سرانجام، این دیوان اعلام کرد که چنین حقی را نمی‌توان برای دولت‌ها منع نمود؛ مگر اینکه استفاده از حق (تغییر چهارچوب‌های حقوقی) توأم با سوء نیت یا مغایر منطق باشد (Sornarajah, 2010: 190).

### ج) فراهم‌سازی زمینه احقاق حق (عدم استنکاف از احقاق حق)

وجود دستگاه قضایی کارآمدی که بتواند در صورت نقض حق، به سرعت و با کیفیت لازم به دعوی خسارت‌دیدگان رسیدگی کند، از جمله ملاک‌های سرمایه‌گذاران جهت انتخاب کشور میزبان سرمایه است. وجود نظام دادرسی صحیح که اصول اولیه دادرسی را رعایت کند، جزء

1. Objective Criterion  
2. Stabilization Clause

تعهدات دولت میزبان سرمایه به شمار می‌رود و در صورت فراهم نبودن چنین نظامی، دولت میزبان مرتکب انکار حق دادخواهی یا همان استتکاف از احقاق حق<sup>۱</sup> شده است. امروزه استتکاف از احقاق حق، از صرف یک تعهد سلبی و مضیق به معنای عدم پذیرش دعوی، فراتر رفته و تعهدات ایجابی، همانند برقراری دادگاه‌های کارآمد را نیز دربر می‌گیرد (Focarelli, 2013: 3). نقض حق دادخواهی را مدیریت بسیار ضعیف و ناکارآمد دادرسی توسط دادگاه‌ها دانسته‌اند که نتیجه عملکرد سست ساختار قضایی دولت میزبان است (Hoher, 2010: 163). نداشتن امکان دسترسی به دادگاه، صرفاً شامل عدم پذیرش دعوی سرمایه‌گذار خارجی توسط دادگاه کشورهای میزبان نیست، بلکه مواردی همچون تصمیم نگرفتن در خصوص دعوی و مسکوت گذاشتن طولانی و اطاله‌های بی‌فرجام، عدم استقلال دستگاه قضایی از قوای مقننه و مجریه، عدم اجرای رأی قطعی دادگاه یا داور توسط مراجع قضایی، جابه‌جایی جهت‌دار قضات، تبعیض در دادرسی نسبت به اتباع بیگانه و نقض اصول بنیادین دادرسی را نیز دربر می‌گیرد (Lorz, 2015: 781) و همچنان که پیداست، عمده موارد نقض، به نظام دادرسی (آیینی) و حقوق شکلی و نبود دادرسی عادلانه<sup>۲</sup> در کشور میزبان بازمی‌گردد. در دعوی *petrobart v. Kyrgyzstan*، دیوان داور اظهار کرد تبانی<sup>۳</sup> بین دستگاه‌های اجرایی و مراجع قضایی، از جمله موارد نقض تعهد به منع امتناع از احقاق حق محسوب و در نتیجه، جزء موارد آسیب‌رسان به شرط FET بر اساس منشور انرژی به شمار می‌آید. البته باید در نظر داشت که با استناد به شرط منع انکار حق دادخواهی، نمی‌توان از دیوان داور انتظار داشت که به تجدیدنظر در آراء صادره از محاکم کشور میزبان و بازبینی آن‌ها بپردازد. در دعوی *Liman v. Kazakhstan* دیوان داور، با آنکه منع استتکاف از احقاق حق را مستتر در شرط FET دانست، اظهار کرد کارکرد این تعهد (منع انکار حق دادخواهی)، اصلاح اشتباهات شکلی یا ماهوی که ممکن است توسط دادگاه‌های کشورهای میزبان انجام شده باشد، نیست. بر اساس نظر این دیوان، انکار حق دادخواهی صرفاً در جایی قابل استناد است که نظام دادرسی کشور میزبان به نحو بنیادی ناکارآمد باشد (Newcobe & Parade, 2009: 301). در پایان، به این نکته اشاره می‌شود که برخی نویسندگان، تعهد عدم استتکاف از احقاق حق را با انتظارات مشروع درآمیخته‌اند؛ بدین ترتیب که چنانچه نظام قضایی کشوری در آغاز سرمایه‌گذاری سست و ناکارآمد باشد، سرمایه‌گذار خارجی نباید انتظار معجزه و بازسازی سریع چنین نظامی را داشته باشد؛ بنابراین در ادامه نیز نمی‌تواند به علت ناکارآمدی دستگاه قضایی، در پی محکومیت دولت میزبان به علت نقض «تعهد به فراهم‌سازی نظام دادرسی مناسب» برآید (Panagos, 2015: 59).

---

1. Denial of Justice  
2. due process  
3. Collusion

اما در مقابل، نویسندگان دیگری پاسخ داده‌اند که منشور انرژی چنین تعهدی را برای دولت‌های امضاکننده ایجاد کرده است، تا به بهبود و کارآمدسازی نظام قضایی خود، دست‌کم تا آنجا که به دعاوی سرمایه‌گذاران خارجی مربوط است، پردازند (همانند تأسیس دادگاه‌های تخصصی و ویژه) و نمی‌توان صرف علم سرمایه‌گذار به ناکارآمدی دادگاه‌های کشور میزبان را عامل معاف‌کننده آن دولت از برقراری نظام دادرسی عادلانه دانست (Hoher, op cit: 143).

#### د) عدم تبعیض

در ادامه بند ۱ ماده ۱۰، به منع رفتار نامعقول و تبعیض‌آمیز اشاره شده است. این تعهد به طور روشنی با تعهد به رفتار منصفانه و برابر مرتبط است و شاید برخی نیز این دو را یکسان انگارند؛ اما این دو تعهد توسط برخی هیأت‌های داوری از یکدیگر جدا شده است که این جداسازی را می‌توان در دعوای معروف Nykomb دید. در این پرونده، دیوان داوری اعلام کرد دولت لتونی<sup>۱</sup> (خواننده دعوی) تعهد خود مبنی بر عدم تبعیض را به علت پیشنهاد تعرفه بالاتر (تعرفه ترجیحی) برای خرید برق به رقبای شرکت Nykomb، نقض کرده است (Roe & Happold, 2011: 34). در حقیقت، به نظر این دیوان، تعهد به رفتار برابر و عادلانه، گویا صرفاً تبعیض منفی را دربر گرفته و تعهد به عدم تبعیض شامل جانبداری مثبت و حاوی امتیازات جانبدارانه است؛ هرچند چنین جداسازی‌ای مورد انتقاد برخی نویسندگان قرار گرفته است (Hoher, op cit: 165). در خصوص این دعوی، در ادامه بیشتر سخن خواهیم گفت.

#### ه) تناسب رفتار

بر اساس این اصل، رفتارهای حاکمیتی دولت میزبان در راستای دست یافتن به اهداف قانونی، نباید از آنچه ضروری است، فراتر رود (Jacob & Schill, op cit: 736). در عرصه سرمایه‌گذاری خارجی، زمانی که دیوان‌های داوری به چنین اصلی استناد می‌کنند، در واقع به دنبال کنترل و نظارت بر رفتارهای دولت میزبان از حیث توجیه‌پذیری و تناسب، در زمینه سرمایه‌گذاران خارجی هستند (Schill & Kingsbury, op cit: 97). بیشتر دیوان‌های داوری، شرط تناسب را در شمار معیارهای رفتاری FET شناخته‌اند. در پرونده AES V. kazakhstan، دیوان داوری اعلام کرد محدودیت‌های اعمال‌شده از سوی دولت میزبان بر سرمایه‌گذاران خارجی، از آنچه رفتار متناسب و معقول است، فراتر رفته و در نتیجه، با آنچه اقتضائات نظم عمومی خوانده شده است، قابل توجیه نیست (Schill & Kingsbury, op cit: 98). در پرونده Charrane v. Spain نیز دیوان داوری اعلام کرد این جزء انتظارات مشروع سرمایه‌گذار است که توقع داشته باشد

1. Latvia



زمانی که دولت میزبان در پی تغییر چهارچوب نظام حقوقی موجود است، مرتکب عملی نامتناسب نگردد. همچنین در پرونده *Electrabel v. Hungary*، دیوان داوری در تعیین حد و مرز اصل تناسب که دولت میزبان برخی قوانین شهری را تغییر داده بود، اعلام کرد چنین تغییراتی باید متناسب با اهداف تعیین شده و برای رسیدن به آن اهداف ضروری باشد و وزن ارزش‌های هدف، از وزن منافی که در راه دستیابی به آن هدف قربانی می‌شود، بیشتر بوده و تناسب لازم بین هزینه و فایده رعایت شده باشد (Yananca-Small, op cit: 122).

### (و) شفافیت اطلاعات

اطلاعات شفاف در خصوص اینکه دولت میزبان چگونه و با چه کیفیت و فرایندی، قوانین و مقررات خود را اجرا کرده یا تغییر می‌دهد، یکی از مهم‌ترین معیارهای سرمایه‌گذاران جهت ارزیابی و سنجش سرمایه‌گذاری در کشورها به شمار می‌آید. اصل شفافیت، ارتباط نزدیکی با تحقق انتظارات مشروع سرمایه‌گذاران دارد و به نظر نویسندگان، از عناصر FET شمرده می‌گردد (Dolzar & Scheuer, op cit: 149). دیوان داوری در پرونده *Eiser v. Spain*، در بخشی از رأی خود اعلام کرد، شفافیت اطلاعات بخشی از تعهدات دولت‌ها در منشور انرژی مبنی بر رفتار منصفانه و برابر تلقی می‌شود (Lorz, op cit: 764). همچنین در پرونده *Mamid oil v. Albania* رفتار دیوان داوری اعلام کرد که نبود شفافیت، می‌تواند به عنوان رفتاری غیرمنصفانه<sup>۱</sup> و غیربرابر<sup>۲</sup> به شمار آید. در پرونده *Electrabel v. Hungary* نیز دیوان داوری بر اینکه شفافیت اطلاعات، بخشی از تعهدات دولت‌ها در خصوص FET شمرده می‌شود، صحه گذاشت (Lorz, op cit: 765).

### ۲.۱. حمایت و امنیت پایدار

در ماده ۱۰ منشور همچنین اعلام شده است که سرمایه‌گذاران باید از بیشترین حمایت و امنیت برخوردار باشند؛ از این رو، تعهد دولت میزبان به حمایت از سرمایه‌گذاران برای قادر ساختن آنان به انجام مراحل مختلف سرمایه‌گذاری خود، در شمار چنین تعهدی جای می‌گیرد (Talus, 2013: 209). منشور انرژی همچون بسیاری از توافق‌نامه‌های دوجانبه، «تعهد به رفتار عادلانه و برابر» را در کنار و هم‌ردیف تعهد به «حمایت و امنیت پایدار» قرار داده است. در دعوی *Wena Hotel v. Egipt*، دیوان داوری ایکسید در رأی خود، این دو تعهد را یکسان و مترادف دانست (Heiskanen, 2007: 109)؛ در حالی که در دعوی *Azurix v. Argentina*، هیأت داوری دیگری از ایکسید اظهار کرد، این دو تعهد متمایز از یکدیگر بوده و معیارهای حمایت و امنیت، فراتر از تعهد دولت‌ها به حمایت از سرمایه‌گذاران در مقابل آسیب‌های فیزیکی است و

1. unfair  
2. unequitable

شامل تعهد به برقراری محیط امن سرمایه‌گذاری نیز می‌شود (Heiskanen, 2007: 110). برخی نویسندگان نیز با تأکید بر رأی اخیر گفته‌اند که بهتر است این دو تعهد را یکسان ندانیم؛ زیرا تعهد به رفتار عادلانه و برابر بیشتر ناظر به بی‌طرفی دولت میزبان است و تعهدی سلبی (تعهد در قالب فعل منفی) شمرده می‌شود؛ در حالی که تعهد به برقراری حمایت و امنیت پایدار، تعهدی ایجابی و به شکل تعهد مثبت نمایان می‌گردد (Yen, 2014: 186) که به نظر منطقی و قابل تأیید است.

### ۳.۱. محترم شمردن قرارداد (شرط چتری)<sup>۱</sup>

در واپسین سطر بند یک ماده ۱۰ منشور، اصل لزوم وفای به عهد<sup>۲</sup> مورد تأکید قرار گرفته است. بر اساس این تعهد که به تعهد محافظ یا شرط چتری نیز نامبردار است، دولت میزبان از یکسو، مکلف است تعهدات خود در برابر سرمایه‌گذار خارجی در خصوص بهره‌مندی وی از سرمایه‌گذاری انجام‌شده را محترم شمارد و از سوی دیگر، دولت میزبان باید از لغو کردن تعهدات قراردادی که به نفع سرمایه‌گذار خارجی در قرارداد ذکر شده، خودداری کند (Wong, 2006: 153). همچنین دولت میزبان متعهد است از تحمیل کردن تغییر مفاد قرارداد اصلی، به سرمایه‌گذار خارجی خودداری ورزد (Wong, 2006: 154). در حقیقت، شرط محافظ موجب می‌شود تعهدات قراردادی بین سرمایه‌گذار خارجی و دولت میزبان، ضمانت اجرای معاهده‌ای یافته و به عبارتی، در صورت نقض این شرط، یک دعوی نقض قرارداد بتواند در قالب دعوی نقض معاهده جلوه‌گر شود و از امتیازات معاهده منشور انرژی، از جمله روش‌های حل و فصل اختلافات مندرج در آن بهره‌بردار (Sornargah, op cit: 192). با این حال، بر اساس منشور انرژی، کشورهای عضو می‌توانند تعهد به برقراری شرط حفاظتی مندرج در بند یک ماده ۱۰ را نپذیرند و در زمان تصویب معاهده، آن را از شمار تعهدات خود خارج سازند. در بیشتر موافقت‌نامه‌های دوجانبه حمایت از سرمایه‌گذاری در بخش انرژی، شرط حفاظتی (چتری) درج می‌شود که به موجب آن، نقض قرارداد، نقض معاهده نیز تلقی شده و آنان را از شرط صلاحیت مرجع قضایی مندرج در قرارداد سرمایه‌گذاری رها می‌کند و به آنان اجازه می‌دهد تا دعوی خود را نزد مرجع داوری بین‌المللی، همچون ایکسید، مطرح کنند؛ امری که برای بیشتر سرمایه‌گذاران نیز خوشایند است (Wong, op cit: 161).

1. Umbrella Clause  
2. Pacta Sunt Servanda

#### ۴.۱. حسن رابطه فراگیر (رفتار دولت کامله‌الوداد)<sup>۱</sup>

شرط رفتار توأم با حسن رابطه فراگیر، در رویه دیوان‌های داوری در پرونده‌های سرمایه‌گذاری خارجی بارها مورد تأکید قرار گرفته است؛ هر چند در خصوص قلمرو و مصادیق آن همیشه مجادلاتی مطرح بوده است (Schill & Kingsbury, 2011: 83). در بند یک ماده ۱۰، مقرر شده است، دولت میزبان نباید با سرمایه‌گذار خارجی رفتاری با مزیت‌هایی پایین‌تر از حداقل‌هایی داشته باشد که در حقوق بین‌الملل لازم دانسته شده است. به موجب این مقرره، چنانچه میزبان، عضو معاهده‌ای باشد که بر اساس آن معیارهای بالاتری برای برخورد با سرمایه‌گذاران خارجی در آن شرط شده باشد، مطابق منشور انرژی، رفتار این دولت با تمام سرمایه‌گذاران کشورهای عضو منشور باید به همان سطح ارتقا یابد. البته بر اساس این شرط، لازم نیست رفتارهای دولت میزبان با تمام سرمایه‌گذاران عیناً یکسان و همانند باشد، بلکه چنانچه رفتار با سرمایه‌گذار دولت غیرمتعاهد (تعهدنامه دوجانبه) مطلوبیت کمتری نداشته باشد، این شرط محقق‌شده تلقی خواهد شد (Le bars, 2015: 548).

در سطر بعدی همین ماده، شرط دولت کامله‌الوداد دیگر بار مطرح شده است که قلمرو این شرط، به دوره پسا سرمایه‌گذاری<sup>۲</sup> نیز راه یافته و شامل سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری اصلی، از جمله مدیریت بهره‌برداری از سرمایه‌گذاری نیز می‌شود. اما پرسش این است که آیا سرایت روش‌های حل اختلاف نیز در قلمرو تعهد رفتار دولت کامله‌الوداد است؟ در دعوای *Palma v. Bulgaria*، دیوان داوری اعلام کرد که چنین تعهدی در دامنه شرط رفتار دولت کامله‌الوداد جای نمی‌گیرد و این شرط شامل رفتارهای حمایتی دولتی و حقوق ماهوی است؛ زیرا شرط‌های مربوط به نحوه حل اختلاف در هر معاهده، مختص به همان معاهده است و در سایر معاهدات کاربرد ندارد (Yannaca, 2010: 73).

#### ۵.۱. پرداخت خسارت کامل در فرض مصادره

بیم مصادره اموال، خواب آشفته دنیای سرمایه‌گذاری و بزرگترین دغدغه در این زمینه شمرده می‌شود. از این رو، ماده ۱۳ منشور، متمرکز بر چنین موضوعی است. بر اساس این ماده، در فرض مصادره که صرفاً در جایی که نفع عمومی دولت میزبان اقتضا کند، مجاز دانسته می‌شود، دولت میزبان متعهد است خسارات سرمایه‌گذاران را در اسرع وقت و قبل از وقوع مصادره یا آنچه قرار است اتفاق افتد، پرداخت کند تا ارزش سرمایه وی، به علت عمومی شدن اموال، تحت تأثیر قرار نگیرد و کاهش نیابد (Coop. op cit: 4). به سخن دیگر، پس از مصادره، چه بسا

---

1. Most Favored Nation Treatment  
2. Post Investment

قیمت‌گذاری اموال سرمایه‌گذار تحت تأثیر مصادره قرار گرفته و کاهش یابد؛ از همین رو، قیمت‌گذاری اموال سرمایه‌گذار می‌بایست قبل از مصادره انجام شود تا این اثر منفی، منتفی گردد. همچنین سرایت دادن مصادره به تمام اصطلاحات مشابه در این بند، بسیار بااهمیت بوده و مصادره را به تمام گونه‌های دیگر تصرف قهری<sup>۱</sup>، که اثری همانند مصادره دارند، همچون مصادره غیرمستقیم یا خزنده نیز سرایت می‌دهد (De Brandre, op cit: 159).

## ۲. نقض تعهدات دولت میزبان به عنوان مبنای دعوی

### ۲.۱. جهات ارائه‌شده و استنادنشده

در پاره‌ای از دعاوی ممکن است خواهان در ضمن درخواست رسیدگی خود، چندین جهت موضوعی را ارائه نماید، اما صرفاً به یکی از آن‌ها به عنوان عامل توجیه‌کننده<sup>۲</sup> خواسته خود استناد کند. حال در چنین حالتی، آیا دادگاه مکلف است صرفاً نسبت به همان جهت ارائه‌شده استناد کند یا مخیر است هرگونه جهتی را که در دادخواست یافت گردد، مورد کنکاش قرار داده و جهتی را که به نظر داوران مناسب تشخیص داده می‌شود، برای توجیه رأی خود مورد استناد قرار دهد؟ این موضوع در نظام دادرسی فرانسه، محل مناقشات فراوانی بوده است و در خصوص امکان به‌کارگیری جهات ارائه‌شده اما استنادنشده توسط دادگاه، برخی قائل به ممنوعیت، عده‌ای نظر به مجاز بودن و اندکی نیز طرفدار ضرورت استناد بوده‌اند که سرانجام، دیوان عالی کشور، به مجاز بودن دادگاه در استناد به چنین جهاتی رأی داده است (نه ممنوعیت یا در نقطه مقابل آن، اجبار به استناد) و در نتیجه، دادگاه می‌تواند به چنین جهاتی استناد کند، حتی اگر خواهان دعوی به صورت خاص چنین جهاتی را مورد اشاره قرار نداده باشد (Normand, 1991: 765) که به نظر قابل تأیید نیز هست؛ زیرا همچنان که برخی نویسندگان تأکید کرده‌اند، بررسی کارساز بودن جهات موضوعی و اینکه از میان جهات موضوعی، کدام یک می‌تواند از چشم‌انداز نظام حقوقی، خواسته خواهان را توجیه سازد، امری مرتبط با امور حکمی است و پُر بیراه نیست که دستان دادگاه را در استناد به چنین جهاتی باز بگذاریم؛ زیرا قلمرو امور حکمی در اختیار دادگاه است. اما در قلمرو داور، شناسایی چنین اختیاری برای داوران با اطمینان بیشتری مورد پذیرش قرار گرفته است و رویه دیوان‌های داور نیز بیانگر چنین رویکردی است (Fadlallah et Hascher, op cit: 177).

## ۲.۲. جهات موضوعی و حکمی متعدد

در برخی دعاوی ممکن است خواهان هم‌زمان به چندین جهت توجیه‌کننده خواسته<sup>۱</sup>، استناد کند؛ به‌ویژه در دعاوی مسئولیت مدنی، چه‌بسا هم‌زمان چندین جهت، خواسته خواهان را توجیه کند. ما در بیشتر دعاوی با سبب واحد روبه‌رویم، اما چنانچه در دعوایی، جهات متعددی ارائه شود، تکلیف چیست؟ در خصوص اسباب متعدد، چنانچه نتایج هریک از این اسباب، آثار متفاوتی به دنبال آورد، خواسته خواهان به نوعی دچار تردید می‌شود و عده‌ای در این حالت قائل به عدم استماع دعوی و برخی نیز طرفدار رفع نقص دادخواست و الزام نمودن خواهان به انتخاب یکی از جهات مورد استناد گردیده‌اند (Clay, 2005: 37). در رسیدگی‌های داور نیز به نظر می‌رسد چنانچه آثار اسباب ارائه‌شده یکسان باشد، داوران در استناد به هر کدام از آن اسباب آزادی عمل دارند، اما چنانچه نتایج هریک از جهات مورد استناد با دیگر جهات متفاوت باشد، چاره‌ای جز الزام نمودن طرح‌کننده دعوی به انتخاب سبب مورد نظر خود نیست (Clay, 2005: 39). در دعوی *Nykomb v. Ltvia*، شرکت *Nykomb* علیه دولت لتونی، دعوایی را نزد مرکز داوری اتاق بازرگانی استکهلم با خواسته جبران خسارت مطرح کرده بود. این شرکت خواسته خود را مستند به جهات متعددی از منشور، همچون نقض تعهد رفتار عادلانه و برابر، نقض رفتار دولت کامله‌الوداد، تبعیض و مصادره مطرح ساخته بود. در این دعوی، با توجه به اینکه در میان اسباب ارائه‌شده، مصادره دارای ضمانت اجرای متفاوتی با سایر اسباب بود، دیوان داوری با بیان این جمله که «در اینجا نشانی از تملک اموال شرکت *Nykomb* به چشم نمی‌خورد، همچنین دولت لتونی به حقوق سهام‌داران یا کنترل و مدیریت شرکت ورود ننموده است...»، به رد دعوی مصادره به عنوان یکی از اسباب مورد استناد شرکت *Nykomb* پرداخت. در حقیقت، چون نتیجه مصادره به عنوان سبب دعوی، الزام خواننده به پرداخت خسارت کامل است اما در سایر اسباب، با فرض پذیرش، خسارت متناسب و به میزان زیان وارده پرداخت می‌شود، دیوان داوری در همان ابتدا، مصادره - به عنوان سبب توجیه‌کننده خواسته خواهان را - به کنار نهاد.

در خصوص سایر جهات مورد استناد، دیوان داوری اعلام کرد که خودداری دولت لتونی<sup>۲</sup> از پرداخت تعرفه ترجیحی مورد توافق به *Nykomb*، قابل انطباق با نقض بندهای مختلفی از معاهده منشور انرژی است و در نهایت اعلام داشت در راستای شناسایی مسئولیت جمهوری لتونی، کافی است تا محرز شود یکی از بندهای معاهده نقض شده باشد و در پایان، با استناد به

### 1. Cause of action

۲. در حقیقت طرف توافق *Nykomb*، شرکت دولتی لاتونگرو (*Latvengro*) بوده است که بر اساس ماده ۲۶ منشور انرژی، در چنین حالتی کشور عضو منشور، مسئولیت شرکت دولتی را نیز طبق شرایطی بر عهده خواهد داشت.

تعهد به منع تبعیض و اینکه دولت لتونی تعرفه ترجیحی را به دو شرکت تابع دولت خود پرداخت کرده، اما از پرداخت چنین تعرفه‌ای به Nykomb خودداری ورزیده است، حکم به جبران خسارات شرکت نیکومب صادر کرد (Heiskanen, op cit, 109).

در پرونده مشابه دیگری (Petrobart v. kyrgyz Republic)، شرکت پتروبارت دعوی را علیه جمهوری قرقیزستان مطرح کرده بود. بر اساس این پرونده، قراردادی بین شرکت پتروبارت مقیم جبل الطارق<sup>۱</sup> با شرکت دولتی Kyrgyzgazmunaizat (KGM) وابسته به دولت قرقیزستان منعقد شده بود که موضوع آن فروش گاز از سوی KGM به پتروبارت بود. پس از آنکه فروشنده از انجام تعهدات خودداری کرد، شرکت پتروبارت، به طرح دعوی در یکی از دادگاه‌های قرقیزستان علیه KGM اقدام کرد. در خلال طرح دعوی، KGM به انتقال اموال خود به دو شرکت تازه بنیاد دیگری اقدام کرد و همین موضوع باعث شد پتروبارت نتواند دعوی خود را به سرانجام رساند و در نتیجه، متحمل خسارت شد. در دعوی که این شرکت علیه دولت قرقیزستان مطرح ساخت، دیوان داوری بدون اینکه به نحو تفصیلی وارد در بررسی تمامی اسباب و جهات ارائه شده از سوی خواهان دعوی گردد، از روشی فراگیر استفاده و بیان کرد:

دیوان داوری ضروری نمی‌بیند اعمال (خلاف) دولت جمهوری قرقیزستان را از دریچه تمامی تعهدات مندرج در بند یک ماده ۱۰ منشور انرژی بررسی کند، بلکه متذکر می‌شود این بند با کلیت خود در راستای اطمینان از رفتار منصفانه و برابر وضع گردیده است. بنابر عقیده هیأت رسیدگی کننده، این کافی است که اعلام شود اعمالی که دولت قرقیزستان به علت انجام آن‌ها در مقابل پتروبارت مسئول گردیده، واجد وصف رفتار منصفانه و برابری که پتروبارت بر اساس بند ۱ ماده ۱۰ منشور، مستحق آن بوده است، نمی‌باشد (Heiskanen, op cit: 109).

در حقیقت، در اینجا چون دیوان داوری نظر به محکومیت دولت قرقیزستان داشته، به بررسی تمامی جهات ارائه شده از سوی پتروبارت نپرداخته و استناد به یکی از جهات را کافی دانسته است.

## نتیجه

سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی، از مهم‌ترین بخش‌های سرمایه‌گذاری در جهان امروز به شمار می‌آید و با توجه به آنکه پیش از تصویب منشور انرژی، معاهده‌ای جهانی مختص به سرمایه‌گذاری در بخش انرژی به تصویب نرسیده بود، این معاهده در سال ۱۹۸۸ شکل گرفت.

این منشور، هرچند سعی در حمایت دوجانبه از سرمایه‌گذاران و دولت‌های میزبان سرمایه داشته است، با این حال، حمایت از سرمایه‌گذاران در آن بیشتر خودنمایی می‌کند. در ماده ۱۰ منشور، نویسندگان تمهیدات حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی توسط دولت‌های عضو منشور را با برداشت از حقوق بین‌الملل و معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه درج نموده و به مواردی همچون رفتار عادلانه و برابر، منع تبعیض، لزوم شفافیت، اصل تناسب رفتار، منع مصادره و ضرورت جبران خسارت در فرض مصادره قانونی، اشاره کرده‌اند. در میان عناوین حمایتی درج‌شده، شرط رفتار عادلانه و برابر (FET) برجسته‌تر بوده و در آراء صادره توسط دیوان‌های داوری، بارها به نقض چنین تعهدی به عنوان مبنای توجیه‌کننده خواسته خواهان استناد شده است و حتی بسیاری از نویسندگان، سایر عناوین حمایتی مندرج در بند یک ماده ۱۰ منشور را در ذیل FET طبقه‌بندی کرده و جزئی از آن به شمار می‌آورند. در روند رسیدگی داور، هرچند اصولاً تشریفات آیین دادرسی مدنی مستثنا بوده و ضرورتی برای اجرای آن وجود ندارد، با این حال، جایگاه طرفین و داور و نقش و تعهد طرفین به فراهم‌سازی عناصر موضوعی پرونده، فراتر از قواعد تشریفاتی بوده و جزء سازوکار بنیادین رسیدگی شمرده می‌شود. بنابراین، طرفین دعوای مطروحه نزد داور، همانند دعوای طرح‌شده نزد دادگاه، موظف به ارائه و اثبات عناصر موضوعی دعوای خود هستند. داور نیز در نقطه مقابل، همچون دادرسی می‌بایست واقعیات مطرح و اثبات‌شده نزد خود را با نظام حقوقی حاکم بر ماهیت دعوی انطباق داده و حکم صحیح را پس از توصیف، انشا کند. در پرونده‌های مرتبط با معاهده منشور انرژی، ممکن است خواهان دعوی، جهاتی را ارائه، اما به آن‌ها استناد نکند که در این خصوص، با بررسی رویه دیوان‌های داوری روشن می‌شود که هیأت‌های داوری رسیدگی‌کننده، محدودیتی برای خود قائل نبوده و با وجود عدم استناد خواهان به برخی جهات، صرف ارائه را کافی برای قابلیت استناد به آن جهات می‌دانند. همچنین در برخی موارد ممکن است خواهان دعوی به جهات متعددی استناد و یا بر یکی از آن‌ها تأکید کند. رویه هیأت‌های داوری در این خصوص نیز بیانگر آن است که دیوان‌های داوری، به آزادی عمل کامل خود در استناد به یک یا چند جهت مورد استناد خواهان، هرچند جهت غیرمؤکد، قائل هستند. البته در این زمینه، ضروری است همواره بین دو حالت قائل به تفکیک شد. فرض اول، جایی است که دیوان داوری قائل به حقانیت خواهان دعوی است. در این صورت، استناد هیأت داوری به هر کدام از جهات کافی است و در رویه دیوان‌های داوری نیز، آنان خود را معاف از ورود به بررسی سایر جهات دانسته‌اند. فرض دوم، حالتی است که دیوان داوری قائل به بی‌حقی طرح‌کننده دعوی است. در این مورد ضروری است دیوان داوری به تمامی جهات طرح‌شده از سوی خواهان پاسخ داده و امری را مسکوت نگذارد؛ زیرا چه‌بسا خواهان پس از رد دعوی، با استناد به جهات پاسخ داده

نشده، دعوی جدیدی را مطرح سازد. البته در فرض اخیر، اینکه جهات بی‌پاسخ جزء عناصر موضوعی پرونده بوده یا صرفاً جهت حکمی باشد و همچنین نوع برداشت ما از مفهوم سبب دعوی، در فرض‌هایی که ممکن است حادث گردد، مؤثر خواهد بود. شوربختانه در مباحث داوری، چنین ظریفی آن‌طور که باید مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است و شاید تا آن زمان ناگزیر از توسل به آموخته‌های دادرسی مدنی باشیم.

## منابع

### الف) انگلیسی

1. A.Newcombe And L.Paradel (2009). *Law Nd Practice Of Investment Treaties,Standard Of Treatment*. Kluwer Law International.
2. C.Focarelli (2013). *Denial Of Justice*. Oxford University Press.
3. E.De Brabandere & T.Gazzini (2014). *Forein Investment In The Energy Sector,Balancing Private And Public Interests*. Nijhoff International Investment Law Series,Volume 2.
4. G.Coop & C.Riberio (2008). *Investment Protection And The Energy Charter Treaty*. Juris Net,Llc.
5. H.E.Zeitler (2011). *Full Protection And Security In Schill*. Oxford University Press.
6. J.Bonnitcha (2014). *Substantive Protection Under Investment Treaties*. Cambridge University Press.
7. J.Paulson (2005). *Denial Of Justice In International Law*. Cambridge University Press.
8. J.Stone (2012). *Arbitration The Fair And Equitable Treatment Standard And The International Law Of Investment*. Cambridge University Press.
9. J.W.Salacuse (2015). *The Law Of Investment Traeties*. Oxford University Press.
10. J.Wong (2006). "Umbrella Clauses In Bilateral Investment Treaties". *Mason Law Review*, 14 (1).
11. Ja. jolowicz (2000). *On Civil Procedure*. Cambridge university press.
12. K.Hober (2008). *State Responsibility And Attribution In Muchlinski*. Oxford University Press.
13. K.Hober (2010). "Investment Arbitration And The Energy Charter Treaty". *Journal Of International Dispute Settlement*, (1) 1.
14. M.Jacob & S.W.Schill (2015). *Standard Of Protection, Fair And Equitable Treatment*. Hart Pub.
15. M.Potesta (2013). "Legitimate Expectation In Investment Treaty Law". *Icsid Review*, 28 (1).
16. M.Roggenkamp (2007). *Energy Law In Europe, National, Eu And International Regulation*. Oxford University Press.
17. S.Haghighi (2007). *Energy Security Of The External Legal Relation Of The European*. Oxford University Press.
18. T.H.Yen (2014). *The Interpretation Of Investment Treaties*. Lieden.
19. T.Walde (2003). Legal Opinion In Thr Case Of Nykomb Synergetics Technology Holding Ab V The Republic Of Latvia. *Sc*.
20. Th. Panagos (2015). *handbook of energy law*. the author.
21. The Roe And M.Happold (2011). *Settlement Of Investment Dispute Under The Energy Charter Treaty*. Cambridge University Press.
22. Trinh Hai Yen (2014). *The Interpretation Of Investment Treaties*. Nijhoff.
23. V.Heiskanen (2007). "Unreasonable Or Discriminatory Measures As A Cause Of Action Under The Energy Charter Treaty". *Int.A.L.R*, (10) 3.

### ب) فرانسه

24. B.Beignier (2007). *Procedure Civile Et Droit Constitutionnel*. Litec.
25. Christophe Seraglini Et Jeromr Ortscheidt (2017). *Droit De L'Arbitrage Interne Et International*. Dalloz.



26. J.Normand (1991). *La Releve D'Office Des Moyens Touchant Au Droit Substantial*. Rtd Civ.
27. Jean-Baptiste Racine (2016). *Droit De L'Arbitrage*. LGDJ.
28. M.A Frison-Roche (2002). *La Procedure Et L'Effectivite De Droit Substantiels*. Bruylant Coll.Justice.
29. Serge Guinchard, Frederique Ferrad Et Cecile Chainais (2008). *Procedure Civile*. Dalloz.
30. Th Clay (2005). *Le Modele Pour Eviter Le Process*. LGDL.